

لزوم تعهد آمریکا به دیپلماسی واقعی

بیانیه گروهی از مهمترین و بانفوذترین کارشناسان نظارت و کنترل سلاح‌های هسته‌ای، مدیران برنامه‌های تحقیقاتی نظامی و هسته‌ای و مقامات پیشین آمریکا منتشر شده است که طی آن، این بزرگان دانش و سیاست آمریکا، خواهان پیگیری مسالمت‌آمیز و فوری بحران هسته‌ای ایران و حل دیپلماتیک آن شده‌اند. حمله آمریکا به سه تأسیسات هسته‌ای ایران در آخر هفته گذشته، اقدامی نظامی و خطرناک بود که مذاکرات جاری برای جلوگیری از دستیابی تهران به سلاح هسته‌ای را از مسیر خود خارج کرد و آمریکا و ایران را در آستانه یک جنگ تمام‌عیار قرار داد.

تنها چند روز پیش از این حملات، رئیس‌جمهور ترامپ اعلام کرده بود که دستیابی به یک توافق سیاسی با ایران اولویت دارد و برای ادامه گفت‌وگوهای دیپلماتیک، ضرب‌الاجلی دوهفته‌ای تعیین کرد. ما، به‌عنوان کارشناسان امنیت ملی و سیاست خارجی، از دولت ترامپ می‌خواهیم که تلاش‌های خود را برای تثبیت توافق آتش‌بس شکننده میان ایران و اسرائیل دوچندان کند و به یک روند دیپلماتیک جدی متعدد شود تا تضمین شود که ایران هرگز به سلاح هسته‌ای دست نخواهد یافت. دیپلماسی مؤثرترین مسیر برای جلوگیری بلندمدت از توسعه این سلاح‌ها توسط ایران است. پیش از حملات روز شنبه، جامعه اطلاعاتی آمریکا ارزیابی کرده بود که ایران هنوز تصمیم به ساخت بمب هسته‌ای نگرفته و چندین ماه، اگر نگوئیم بیشتر، تا توانایی سرهم‌بندی یک سلاح ابتدایی فاصله دارد. با وجود این ارزیابی، رئیس‌جمهور ترامپ عملیات نظامی علیه سه مرکز کلیدی هسته‌ای ایران که تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) بودند، آغاز کرد. این حملات به‌طور چشمگیری توان نظارتی آژانس را بر برنامه هسته‌ای ایران کاهش داد و در شرایطی انجام شد که مذاکرات میان دیپلمات‌های اروپایی و ایرانی در جریان بود و خطر خروج ایران از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) را افزایش داد. حملات تلاقی جویانه ایران به پایگاه هوایی الغدید آمریکا در قطر در روز دوشنبه، به نظر می‌رسد از پیش محاسبه‌شده و با پیام‌های آشکار همراه بوده که نشان از تمایل تهران به مهار تنش‌ها و جلوگیری از گسترش درگیری دارد. اکنون زمان آن فرا رسیده که آمریکا با انتظارات واقع‌بینانه، مسیر بازگشت به مذاکرات با ایران را در پیش گیرد تا به یک توافق هسته‌ای قوی دست یابد. یکی از اولویت‌های اصلی باید بازگشت سریع بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به مراکز کلیدی در ایران باشد. نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهد که حمایت گسترده‌ای در میان مردم آمریکا برای رهبری دیپلماتیک آمریکا در حل و فصل مسئله هسته‌ای ایران وجود دارد. نباید از نیروهای نظامی آمریکایی خواسته‌شود که درگیر جنگی بیهوده دیگر در خاور میانه شوند و نه از مردم آمریکا که هزینه آن را بپردازند. رئیس‌جمهور ترامپ بارها از نیاز به مهار تهدید سلاح‌های هسته‌ای سخن گفته است. ما، امضاکنندگان این بیانیه، از رئیس‌جمهور می‌خواهیم، با پشتیبانی کامل کنگره آمریکا، نقش تاریخی خود را ایفا کرده و توافقی مؤثر، قابل‌راستی و آملی و مذاکره‌شده را به سرانجام برساند که مانع از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای شود.

اسامی امضاکنندگان بیانیه:

جیمز اکتن، مدیر مشترک برنامه سیاست هسته‌ای، بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی، الکساندر ابل، معاون پیشین دستیار وزیر امور خارجه در امور هسته‌ای، اما بلچر، رئیس بنیاد پلاوشرز، توماس ام. کانترمین، رئیس هیئت مدیره انجمن کنترل تسلیحات، توبی دالتون، مدیر مشترک برنامه سیاست هسته‌ای، بنیاد کارنگی، کلسی دونپورت، مدیر سیاست‌های عدم اشاعه، انجمن کنترل تسلیحات، سوزان دی‌ماجیو، پژوهشگر ارشد، بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی، رابرت آینهورن، دستیار سابق وزیر در امور عدم اشاعه و مشاور ویژه وزیر امور خارجه در زمینه عدم اشاعه و کنترل تسلیحات، استیفن هاینتز، رئیس صندوق برادران راکفلر، فرانک ان. فون هپبل، استاد بازنشسته امور عمومی و بین‌الملل، دانشگاه پرینستون، بانی جنکینز، معاون پیشین وزیر امور خارجه در امور کنترل تسلیحات و امنیت بین‌المللی، لورا کندی، سفیر پیشین آمریکادر کنفرانس خلع سلاح، داریل جی. کیمبل، مدیر اجرایی انجمن کنترل تسلیحات، جورج ای. لویز، استاد بازنشسته مؤسسه کراک، دانشگاه نوتردام، جسیکا تی، متیوز، مدیر سابق دفتر مسائل جهانی در شورای امنیت ملی، استیون دی. مال، معاون پیشین وزیر امور خارجه در امور سیاسی، وزارت امور خارجه آمریکا، تام پیکرینگ، معاون پیشین وزیر امور خارجه در امور سیاسی و سفیر پیشین آمریکا در سازمان ملل، پاول آر. پیلار، افسر پیشین اطلاعات ملی در امور خاور نزدیک و جنوب آسیا، گری سیک، دریادار بازنشسته نیروی دریایی ایالات متحده؛ دانشگاه کلمبیا و جیم والش، پژوهشگر ارشد، برنامه مطالعات امنیتی مؤسسه فناوری ماساچوست.

ابهام در نتایج یک حمله

اسرائیل و آمریکا برای خود زمان خریدند اما به روش‌های دیگر بهای آن را خواهند پرداخت

FOREIGN AFFAIRS



ریچارد نفیو*

در ۲۴ ژوئن، ایران، اسرائیل و ایالات متحده بر سر آتش‌بس توافقی کردند و به جنگ تقریباً دوهفته‌ای پایان دادند. در طول درگیری، اسرائیل به ده‌ها هدف هسته‌ای تأیید شده یا غیر مشخص ایرانی ضربه زد. وقتی ایالات متحده به جنگ پیوست، بمب‌های سنگرشکن را بر فردو، سایت هسته‌ای که دسترسی اسرائیلی‌ها به آن سخت بود، انداخت و به دو تأسیسات دیگر حمله کرد. حالا که غبار فرو نشسته، تحلیلگران باید شروع به تعیین آنچه حملات انجام دادند کنند و به این بپردازند که آیا این کار ارزش پذیرش عواقب را داشته یا نه.

هنوز خیلی زود است که دقیقاً بگوئیم عملیات شیرخیزان و چکش نیمه‌شب، همانطور که اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها کمپین‌های مربوطه‌شان را نامیدند، چقدر برنامه هسته‌ای ایران را عقب انداخت. گزارش‌های مقدماتی فاش شده اطلاعاتی آمریکا تخمین می‌زند که حملات فقط چند ماه به زمان گریز ایران اضافه کرد. در همین حال، نخست‌وزیر اسرائیل بنیامین نتانیا‌هو و رئیس‌جمهور آمریکا دونالد ترامپ می‌گویند آسیب گسترده‌تر بود. ارزیابی‌های رسمی منتشر شده تاکنون از اسرائیل و ایالات متحده عموماً از این ایده حمایت می‌کنند که حملات، برنامه هسته‌ای ایران را به طور قابل توجهی عقب انداخت اما این گزارش‌ها بر آسیب کلی متمرکزند و جزئیات کمی درباره تأثیر بر زمان گریز ایران ارائه می‌دهند. در حقیقت، حتی ایران احتمالاً مقیاس کامل آسیب به برنامه‌اش را هنوز درک نکرده است و مقامات ایرانی هنوز در حال تصمیم‌گیری هستند که قدم بعدی چه خواهد بود.

اما کارشناسان می‌توانند شروع به فهرست کردن نتایج ملموس کنند. آنها می‌دانند که حملات آسیب جدی به تأسیسات غنی‌سازی ایران وارد کرده و دانشمندان برجسته زیادی از ایران ترور شده‌اند. آنها

می‌دانند که تجهیزات مهم منفجر و دفن شده است اما ایران ممکن است هنوز بیشتر از آنچه برای ساخت سلاح نیاز دارد، از جمله اورانیوم بسیار غنی‌شده را در اختیار داشته باشد، یا به این دلیل که این مقدار اورانیوم ایمن در انبار است یا به این دلیل که می‌توان آن را از زیر آوار نجات داد، بار دیگر برنامه هسته‌ای‌اش را بازسازی کند. دولت ایران اکنون نیز تلاش‌هایش را مبهم‌تر از همیشه خواهد کرد، حتی اگر در دیپلماسی درگیر شود. بنابراین جدول زمانی جدید ایران ممکن است به شدت متفاوت باشد. ایران ممکن است هرگز سلاح تولید نکند. یا ممکن است تصمیم بگیرد خیلی سریع یک سلاح تولید کند.

▼ آنچه ایران از دست داد

صرف نظر از تأثیر بر زمان گریز تهران، باید گفت که برنامه هسته‌ای ایران به شدت آسیب دید. مرکز تحقیقات هسته‌ای اصفهان، کارخانه غنی‌سازی سوخت نطنز و ساختمان‌های مرتبط با آن، و کارخانه غنی‌سازی سوخت فردو – سه سایت اصلی هسته‌ای ایران – همگی به شدت آسیب دیدند. بخش‌های کاملی از اصفهان و نطنز به شدت آسیب دیده‌اند. راکتور اراک ایران به شدت آسیب دیده است و در نتیجه ایران در کوتاه‌مدت اگر هم بخواهد نمی‌تواند پلوتونیوم کافی تولید کند. اسرائیلی‌ها همچنین به چندین سایت تحقیق و توسعه دیگر در سراسر ایران حمله کردند، شامل بخش‌هایی از سازمان انرژی اتمی ایران و سازمان نوآوری دفاعی ارتش ایران، که تحلیلگران مشکوک هستند مسئول تحقیق و توسعه مرتبط با سلاح‌های هسته‌ای است. ترور چندین نفر دانشمند هسته‌ای ایرانی در حملات اسرائیلی نیز به خودی خود آسیب مهمی است چراکه اینها افرادی بودند که ده‌ها سال بر رویشان سرمایه‌گذاری شده بود. حملات اسرائیلی که برنامه موشکی ایران را هدف قرار داد ممکن است توانایی کشور برای توسعه سلاح هسته‌ای که بتواند روی کلاهک جا بگیرد را مختل کند.

با این حال، چنین آسیبی قابل انتظار است. وقتی اسرائیل و ایالات متحده در گذشته اقدام نظامی را در نظر

گرفتند، هرگز شک نکردند که می‌توانند به هر سایتی که سعی می‌کردند برسند ضربه بزنند. با تضمین وجود مهماتی که می‌توانست به مهمترین سایت‌های هسته‌ای ایران ضربه بزند و انجام مقدار عظیمی تمرین و برنامه‌ریزی، آمریکا و اسرائیل با درجه بالایی از اطمینان وارد درگیری شدند. حملات نهایی از نظر عملیاتی چشمگیر و از نظر فنی پیچیده بودند اما چنین موفقیت تاکتیکی به سؤالاتی بی‌پاسخ درباره آنچه بمباران‌ها انجام دادند پاسخ نمی‌دهد و مهمترین سوال این است که چقدر طول می‌کشد تا ایران بتواند برنامه هسته‌ای خود را بازسازی کند. بزرگترین سوال این است که آیا ذخیره ایران از ۶۰ درصد اورانیوم بسیار غنی‌شده هنوز وجود دارد و قابل دسترسی است. گزارش‌های فعلی نشان می‌دهد که مواد در فردو و اصفهان، زیر آواری که توسط حملات آمریکا و اسرائیل ایجاد شده، دفن شده است اما ایرانی‌ها بیشتر اورانیوم‌شان را در عمق زیر زمین قرار دادند؛ دقیقاً برای محافظت از آن در برابر حمله آمریکا، و گزارش‌هایی وجود دارد که ایران برخی از ورودی‌های تونل در اصفهان را مهر کرد تا از بمباران محافظت کند. اگر بخشی از این ذخیره دست‌نخورده باقی بماند، تنها کاری که باید انجام دهد این است که حفر کند تا به دنبال مواد خام در دسترسی باشد. هم بیل و هم بولدور به اندازه کافی در ایران وجود دارد.

تحلیلگران همچنین نمی‌دانند که آیا ایران هنوز سانتریفیوژهایی دارد که بتوانند اورانیوم را به درجه تسلیحاتی غنی کنند. به همین ترتیب، کارشناسان مطمئن نیستند که ایران تجهیزات لازم برای تبدیل اورانیوم غنی‌شده